



درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس
 موضوع جزئی: المقام الرابع: فیما لا یستثنی من الخمس فی الغنائم الحربیة
 تاریخ: ۳۰ فروردین ۱۳۹۳
 مصادف با: ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۳۵
 سال چهارم
 جلسه: ۱۰۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث ما پیرامون غنائم جنگی تا اینجا در سه مقام به پایان رسید مقام سوم بحث از اموری بود که از خمس استثناء شده یعنی آن بخش از غنائم جنگی که متعلق خمس واقع نمی شود یا به عبارت دیگر آن چیزهایی که قبل از اخراج خمس می تواند اخراج شود و خمس بعد از اخراج آن موارد واجب می شود. سه مورد بود که ما ذکر کردیم یکی هزینه هایی که برای حفظ و نگه داری غنیمت صورت می گیرد و دوم آن چیزهایی که امام لمصلحة به شخص خاصی هدیه می دهند یا در یک جهت عامی مصرف می کنند و سوم هم صفایا و اموال ملوک بود؛ ادله استثناء این سه مورد ذکر شد و نتیجه این شد که تبعاً للمشهور ما هم معتقدیم این سه مورد از مستثنیات خمس غنائم جنگی می باشد.

مقام چهارم: فیما لا یستثنی من الخمس فی الغنائم الحربیه

مقام چهارم در آن چیزهایی است که از خمس استثناء نشده فی الجمله؛ بعضی از موارد در غنائم جنگی استثناء نشده یعنی خمس اینها هم باید پرداخت شود حال علت اینکه این موارد را مستقلاً ذکر کردند این است که ممکن است این توهم پیش بیاید که اینها متعلق خمس نیستند و این یا به واسطه شک در صدق غنیمت بر آنها است یا به واسطه بعضی از ادله این گمان پیش آمده البته در مورد بعضی از آنها مخالف هم هست مثل سلب. در این مقام چند مورد محل بحث واقع می شود که چون حکم بعضی از موارد یکسان است و فرقی بین آنها نیست دیگر لزومی به اعاده و تکرار ندارد:

مورد اول فداء

مورد دوم جزیه ای که در اثر آن جنگ و برای آن جنگ پرداخت می شود

مورد سوم آن چیزی است که بر آن صلح می کنند

مورد چهارم چیزهایی که عند الدفاع اخذ می شوند (آن زمانی که کفار به مسلمین حمله می کنند و مسلمین در برابر کفار از خودشان دفاع می کنند و نتیجتاً چیزهایی را به غنیمت می گیرند.

مورد پنجم سلب است یعنی آن چیزهایی که قاتل از مقتول در می آورد.

در مورد فداء مبسوطاً بحث می کنیم ولی حکم جزیه و ما صلحو علیہ و ما یؤخذ منهم عند الدفاع به قرینه بحث در فداء معلوم می شود پس فعلاً بحث ما فعلاً در این چهار مورد است.

۱- فداء

منظور از فداء آن چیزی است که یؤخذ منهم بدلاً عن الاسیر اگر بعضی از کفار در جنگ با مسلمین اسیر شدند، گاهی از اوقات در مقابل این اسرا پولی می پردازند که این اسرا آزاد شوند مثل یک مورد زمان پیامبر اتفاق افتاده بود که جمعی از

مشرکین را اسیر گرفته بودند اینها از اقوام پیامبر بودند در مقابل اینها فداء اخذ شد و اینها آزاد شدند پس آن مالی که بدلاً عن الاسیر و به جای اسیر از کفار اخذ می‌شود به آن فداء گفته می‌شود.

در مورد فداء به طور کلی دو قول وجود دارد:

قول اول: بعضی از اعظام اصحاب از جمله شهید اول در دروس، شهید ثانی در مسالک، صاحب جواهر و به تبع اینها مرحوم سید صاحب عروة قائل شده‌اند که فداء مطلقاً متعلق خمس است یعنی به طور کلی فداء از خمس غنائم جنگی استثناء نشده و من الغنائم الفداء.

قول دوم: در مقابل، بعضی از اصحاب قائل هستند به تفصیل در مسئله؛ یعنی برای فداء دو صورت تصویر کرده‌اند: تارة فداء قبل الغلبة است یعنی آنچه که از کفار اخذ می‌شود در برابر اسرا قبل از آن است که مسلمین بر کفار غلبه کنند یعنی در مراحل ابتدائی اسیری را از کفار گرفته‌اند آنها فدیه می‌دهند و در مقابل اسرای خودشان را آزاد می‌کنند. و گاهی فداء بعد الغلبة حاصل می‌شود یعنی بعد الغلبة می‌آیند برای آزادی اسراء مالی را می‌پردازند تا اسرای خودشان را آزاد بکنند. اگر فداء قبل الغلبة باشد دیگر از غنائم محسوب نمی‌شود و اگر بعد الغلبة باشد بعد من الغنائم و دیگر از خمس استثناء نمی‌شود. پس عدم استثناء فداء از خمس فقط در صورتی است که بعد الغلبة اخذ شده باشد اما اگر قبل الغلبة اخذ شده باشد فهو للامام از جمله کسانی که قائل به این نظریه هستند مرحوم محقق عراقی، مرحوم حکیم صاحب مستمسک و امام (ره) می‌باشند.^۱

تحقیق در مسئله و قول مختار:

پس به طور کلی دو قول در این مسئله وجود دارد؛ حال باید دید آیا فداء مطلقاً استثناء نشده یعنی خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه عدم استثناء فقط مربوط به صورتی است که بعد الغلبة باشد نه قبل الغلبة.

صورت اول:

اما در صورت اول که فداء بعد الغلبة باشد ظاهراً این مورد اتفاق است و همه معتقدند این استثناء نشده و متعلق خمس است دلیل بر این مسئله هم این است که فداء بدل از غنیمت و بدل مغنم است چون به جای آن است پس عنوان غنیمت به معنای اخص بر آن صادق است؛ اگر سؤال شود این مال چیست، پاسخ می‌دهد که این مالی است که به جای اسرا ما از دشمن گرفتیم و این یعنی غنیمت است پس اشکالی در صدق عنوان غنیمت جنگی به مالی که فداء اخذ می‌شود نیست. لذا اگر عنوان غنیمت جنگی بر آن صدق کرد پس مشمول دلیل خمس واقع می‌شود. در آیه خمس «واعلموا أنما غنمتم من شیءٍ فأن لله خمسهُ» درست است که عنوان ما غنمتم را به مطلق فائده و منفعت تفسیر کردیم اما قدر متیقن از ما غنمتم در آیه غنیمت جنگی است پس هر چیزی که صدق عنوان غنیمت جنگی بر آن بشود، مشمول دلیل خمس است لذا مشکلی در تعلق خمس به فداء چنانچه بعد الغلبة و جنگ باشد نیست چون غنیمتی است که بالحرب و بالقتال بدست آمده پس صدق عنوان غنیمت بر آن می‌شود.

۱. عروة، محشی بالحواشی، ج ۴، ص ۲۳۲.

صورت دوم:

اما اگر فداء قبل الغلبة باشد یعنی قبل ایجاف الخیل و الركاب (قبل از تاختن شتران و اسبان) اینجا محل بحث واقع شده که آیا عنوان غنیمت جنگی بر آن صدق می‌کند یا نه؟ چون هنوز جنگی صورت نگرفته تا عنوان غنیمت جنگی بر آن صدق بکند.

کسانی که قائل هستند فداء مطلقاً استثناء نشده، بر این مبنا این سخن را گفته‌اند که اینجا عنوان غنیمت جنگی بر آن صادق نیست چون در معنای غنیمت بالمعنی الاخص مسئله قتال و حرب اخذ شده و اگر قتال و حرب محقق نشده باشد، صدق عنوان غنیمت جنگی نمی‌شود و لذا مشمول آیه خمس و دلیل خمس نیست.

در مقابل کآن بعضی اشکالی در صدق عنوان غنیمت بر آن نمی‌بینند و می‌گویند بالاخره جنگ یک مقدماتی دارد تهی و آمادگی برای قتال و حرب هم مربوط به جنگ است لذا همین که در مقدمات جنگ اسیری گرفته می‌شود پس غنیمت جنگی صدق می‌کند و یا از این جهت که آنها می‌پذیرند فداء بدهند به مسلمین این خودش یک نحوه غلبه است برای مسلمین یعنی نفس پذیرش فداء یعنی قبول شکست در این مسئله پس در هر صورت فداء همیشه بعد الغلبة است به عبارت دیگر اینها معتقدند در معنای غنیمت جنگی خصوصیت جنگ و قتال اخذ نشده بلکه مراتب و مراحل دارد بنابراین می‌شود حکم غنیمت به معنای اخص را بر آن بار کرد. پس ولو قبل الغلبة هم باشد این استثناء نمی‌شود چون صدق عنوان غنیمت جنگی بر آن می‌شود. این مبنای نظر کسانی است که معتقد به عدم استثناء فداء حتی قبل الغلبة هستند.

این دو نظریه اینجا ذکر شده عمده اختلاف این دو قول که بعضی قائل به عدم استثناء شدند و بعضی قائل شدند به کونه للامام این نیست که قول اول قائل به عدم استثناء شده باشند و قول دوم قائل به استثناء شده باشند بلکه کسانی که می‌گویند از خمس استثناء نشده یعنی خمس به آن تعلق می‌گیرد و آنها که می‌گویند استثناء شده منظورشان این است که این متعلق به امام است نظیر این را ما در گذشته هم داشتیم که اگر جنگ با اذن امام باشد غنائمش متعلق خمس است و اگر بدون اذن امام باشد این غنائم مال امام است اینکه می‌گویند متعلق خمس نیست ممکن است بعضی بگویند للمقاتلین و بعضی بگویند للامام که دومی مشهور است. اختلاف در این است.

قول مختار:

حق در مسئله کدام است بالاخره در مواردی که فداء قبل الغلبة اخذ می‌شود آیا این متعلق خمس هست یا نیست؟ به عبارت دیگر از خمس متعلق به غنائم جنگی استثناء نشده یا استثناء شده؟

آنچه که به نظر می‌رسد این است که در اینجا حق آن است که ما فرقی بین قبل الغلبة و بعد الغلبة نگذاریم؛ آنچه که متعلق به حرب و مربوط به شئون آن است اگر قبل از شروع منظور این باشد که در حال صلح هستند و اصلاً صف آرائی و جنگی صورت نگرفته، که در این صورت در زمان صلح است و اسیر گرفتن خیلی معنی ندارد اگر منظور این است که مقدمات جنگ فراهم شده و دو طرف در مقابل هم صف آرائی کردند ولی قتال هنوز شروع نشده و فعلیت پیدا نکرده، اینجا صدق عنوان حرب می‌شود؛ چون وقتی به مرحله تقابل می‌رسند و برای جنگ آماده می‌شوند ولو هنوز جنگ شروع نشده و تیری رها نشده باشد، ولی در هر صورت مربوط به حرب می‌باشد. اگر در این مرحله و قبل از فعلیت قتال اسیری گرفته شود

فدائی که اخذ می‌شود به نظر می‌رسد غنیمت جنگی بر آن صدق می‌کند ولو قتال فعلیت پیدا نکرده باشد ولی در در مرحله تهیء برای قتال هستند.

اما اگر سپاه هنوز حرکت نکرده و در شهرهای خودشان هستند و دارند تجهیز می‌کنند، اسیری گرفته شود اینجا بله صدق عنوان غنیمت نمی‌کند؛ پس تهیء و آمادگی اگر قریب به فعلیت قتال باشد اینجا دیگر مثل اینکه جنگ است و در این صورت غنیمت جنگی بر فداء صدق می‌کند اما اگر تهیء و آمادگی بعید و قوه بعید از فعل است اینجا عنوان غنیمت جنگی بر آن صدق نمی‌کند.

بنابراین به نظر می‌رسد که اگر منظور از قبل الغلبة آن مرحله‌ای است که دو طرف در مقابل هم صف آرایی کرده‌اند و هنوز جنگ شروع نشده، این جزء شئون حرب است ولی اگر هنوز صف آرایی نکرده‌اند و در مرحله جنگ لفظی و تهدید است و تا قتال خیلی فاصله است و تهیء و آمادگی قریب به فعل نیست، اینجا دیگر صدق عنوان غنیمت نمی‌شود. پس در این موارد که از شئون حرب است فداء از خمس استثناء نشده چون بدلاً عن الاسیر است و اسیری که در خود حرب، قبل الحرب و بعد الحرب اگر نزدیک به حرب باشد اخذ شود، صدق غنیمت جنگی بر آن می‌شود پس فدائی هم که بدل از آن اخذ می‌شود غنیمت جنگی هست.

نکته:

این نکته قابل توجه است که در تعبیرات آمده که «إذا كان قبل الغلبة أو بعد الغلبة» ولی یک تعبیری در عبارت امام (ره) وجود دارد: «ما يؤخذ من اهل الحرب إذا كان من شئون الحرب و تبعاته» این تعبیر ادق از تعبیر «إذا كان قبل الغلبة أو بعد الغلبة» است چون اگر ملاک قبل و بعد از غلبه باشد چنانچه کسی در حین قتال اسیر شود و هنوز غلبه محقق نشده باشد، طبق این بیان غنیمت جنگی نخواهد بود در حالی که نوعاً خود آنان ملاک در صدق غنیمت را اخذ بالقهر و به سبب قتال می‌دانند. لذا اولی آن است به جای این تعبیر عبارتی که امام (ره) آورده‌اند جایگزین شود که ملاک را حرب و قتال و شئون آن دانسته‌اند. نعم اگر مراد از غلبه در این بیان، غلبه شخصی باشد قابل توجیه ولی این بعید است.

«والحمد لله رب العالمين»